

رویکرد جرم‌شناختی و جنایی در جرایم اقتصادی ملی و طبیعی

تالیف

علی رزمان

(مدرس دانشگاه)

انتشارات قانون‌یار

۱۳۹۵

فهرست مطالب

مقدمه	۹
فصل اول	۱۱
کلیات	۱۱
فصل دوم	۳۵
جرم انگاری در حقوق داخلی، با تکیه بر قانون الحاق ایران به کنوانسیون سازمان ملل برای مبارزه با فساد	۳۵
فصل سوم	۶۵
بررسی سیاست جنایی تقنینی در منابع ملی	۶۵
فصل چهارم	۱۴۱
پیشگیری کیفری و غیر کیفری از مفاسد اقتصادی	۱۴۱
منابع و مآخذ	۱۹۳
قرآن کریم	۱۹۵
نهج البلاغه،	۱۹۵
الف- کتب فارسی	۱۹۵
ب- کتب عربی	۱۹۷
ج- مقالات، تقریرات، جزوات، نشریات، آئین نامه ها، قوانین و سایت ها	۱۹۸
د - پایان نامه ها و رسالات	۱۹۹
ی - منابع لاتین	۲۰۰

مقدمه

شکل‌گیری فساد اقتصادی در هر جامعه‌ای نیازمند حضور یکی از سه ضلع فرمول ساده «انحصار+ صلاح‌دید- پاسخگویی» است. در غیبت نهادهای لازم برای کنترل فساد یا کارکرد سیاسی آنها، توانایی مقابله با فساد اقتصادی کاهش یافته و مفری برای مفسدین پدید می‌آید. البته عوامل دیگری نیز در افزایش فساد اقتصادی وجود دارد که از جمله آنها نبود آزادی کامل برای ورود رسانه‌ها به مسائل اقتصادی است در حالی که مسوولان می‌توانند با استفاده از توانمندی مردم در حوزه نظارت، بسیاری از سوءاستفاده‌ها را متوقف کنند. کاهش استقلال احزاب سیاسی یا حکومتی شدن آنها نیز موجب می‌شود آنها کارکردهای لازم را برای نظارت از دست داده و ملاحظات سیاسی قدرت را بر افشاء، پیگیری و مقابله با فساد رجحان دهند. گرچه فساد اقتصادی معضل همه‌گیری در کشورهاست اما تمهیدات نظام قانونگذاری، مقیاس فساد، سرعت عمل برخورد با فساد و هزینه‌های ارتکاب فساد است که نشان می‌دهد کدام جامعه توان مقابله با فساد را دارد. فساد در جوامع غربی از نظر مقیاس کوچک‌تر از کشورهای در حال توسعه است و عموماً در مراحل اولیه شناسایی و با شخص برخورد می‌شود زیرا فساد یک فرد سبب آبروریزی خانواده او شده و حتی موقعیت سیاسی و اجتماعی خاصی را متزلزل می‌کند. علاوه بر این دستگاه قضایی در کشورهای توسعه یافته با جدیت با فساد برخورد می‌کند. البته در این جوامع همچنان ملاحظات سیاسی روی نتایج تاثیر می‌گذارند اما تا حدود زیادی کنترل شده و نهادهای قضایی و نهادهای مردمی مانند رسانه، کارکردهای مناسب‌تری دارند. در کشورهای در حال توسعه شرایط برای فساد بیشتر فراهم است زیرا ملاحظات سیاسی مانع از اجرای حکم درباره برخی از اشخاص می‌شود و این امر موجب ایجاد یک فضای امن برای مفسدین است. فساد مالی و اداری چرخنده‌های اقتصادی هر کشوری را خرد می‌کند و رشد اقتصادی و تولید ناخالص ملی کشورها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این فساد به هر شکل و هر شمایی که نمود یابد فساد است و باید با آن مقابله کرد. فساد، انحراف است، انحراف منابع و منافع مردم به سمت منافع و منابع اشخاص و گروه‌های ذینفع. می‌توان آن را



سوءاستفاده از قدرت عمومی برای کسب منافع خصوصی نیز دانست. فساد در انعقاد قراردادها در تمام کشورها- حتی آنها که در بالاترین سطح شاخص درستی‌کاری مانند سنگاپور و نیوزیلند قرار دارند، نیز دیده می‌شود. به رغم همه تلاش‌های جهانی برای مقابله با فساد اقتصادی، مسأله فساد همچون یک غده سرطانی مدام در حال بازتولید خود به اشکال و انحای مختلف است. بررسی‌ها نشان داده اقتصادهای بسته قابلیت بیشتری برای بروز انواع و اشکال فساد دارند. گشودگی ساختارها و بازشناسی روندهای اجرای کار و دقت در فرایندها می‌تواند زمینه را برای بهبود شرایط و تقلیل بحران‌های فسادانگیز مالی و اداری به وجود آورد. از یاد نباید برد که فسادهای مالی تأثیر مستقیم بر رشد و تولید اقتصادی کشورها خواهد داشت و آنها را از ساختارهای بهینه و مطلوب خارج خواهد ساخت. فسادها از شفافیت بر نمی‌خیزد، بلکه کدر و تاریک بودن جریان‌ها و امور است که باعث بروز فساد می‌شود. اساساً شیطان در تاریکی است که زاد و ولد می‌کند. لذا هرچه زمینه برای انجام کار پیچیده‌تر و تاریک‌تر باشد، شرایط برای فساد مهیاتر می‌گردد. برای برون رفت از چنین وضعیتی باید به دنبال شفاف سازی در امور اداری و مالی بود. آنگاه می‌توان امید داشت که شرایط بحرانی فساد جای خود را به روند سالم و پویای اقتصادی دهد.

فصل اول

کلیات

بخش اول : سیاست جنایی

گفتار اول : مفهوم سیاست جنایی

این عنوان از دو جزء «سیاست» و «جنایت-جنایی» تشکیل شده است. واژه ی سیاست^۱ در معانی متعددی استعمال می شود. ابن منظور در لسان العرب «سوس» را به معنی ریاست و «سیاست» را نیز در مفهوم ، تصدی برای حفظ مصالح مردم میدانند. (الافریقی ، ۱۴۱۴ : ۱۰۸) گاه نیز سیاست به معنای اداره ی کشور و حکم راندن و رعیت داری است. (دهخدا ، ۱۳۷۳ : ۱۳۸۶۵) بنابراین، سیاست در لغت به معنای توانایی اتخاذ تدابیر مناسب جهت اداره ی امور به نحو مطلوب است . جنایت نیز همانند سیاست ، کلمه ای عربی است که از ریشه ی جنی به معنای گناه کردن ، چیدن میوه از درخت . (همان : ۷۸۶۵) و جرم (عمید ، ۱۳۷۵ : ۴۷۱) آمده است. عده ای معتقدند که اعراب لغت جنایت را همانند جناح ، از «گناه» فارسی اخذ کرده اند. (جعفری لنگرودی ، ۱۳۸۲ : ۱۵۷۱).

اندیشمندان در ارتباط با سیاست جنایی تعریف واحدی ارائه نداده اند و همین امر موجب پیدایش نوعی ابهام در مفهوم این اصطلاح شده است. (حسینی ، ۱۳۸۶ : ۱۵۳) در عدم صراحت این اصطلاح ، همین بس که با بیش از دو سده قدمت ، محتوا و حدود متفاوتی برای آن در نظر گرفته شده است تا جایی که متخصصان حقوق کیفری و جرم شناسی، مدعی وجود نوعی تعارض در این تعاریف هستند.

به عقیده ی فوئر باخ ، سیاست جنایی مجموعه شیوه های سرکوبگرانه ای است که دولت با توسل به آنها علیه جرم واکنش نشان می دهد.^۲ لذا او سیاست جنایی را دارای مؤلفه های زیر می داند:

- مبتنی بر تدابیر و وسایل قهرآمیز و تنبیهی است؛

^۱- Policy

^۲- به نقل از : لازرژ ، کریستین ، سیاست جنایی ، ص ۹.

- جنبه ی رسمی - دولتی دارد: یعنی صرفاً توسط قوای عمومی تشکیل دهنده ی حاکمیت به اجرا گذاشته می شود؛ فقط به مبارزه علیه «جرم»^۳ می پردازد و به سایر رفتارهای انحرافی که جنبه ی کیفری و ضمانت اجرای جزایی ندارند، توجه نمی کند.

- پیشگیری کیفری از جرم صرفاً با سرکوبی و اجرای مجازات محقق می شود. فون لیست^۴ در تعریف سیاست جنایی به «مجموعه ی منظم اصولی که دولت و جامعه با توسل به آنها مبارزه علیه بزه و بزهکاری را سازماندهی می نماید» (لازرژ، ۱۳۸۱: ۱۱)، اشاره می کند. او در این تعریف به ماهیت امکانات و اصول سیاست جنایی نمی پردازد. دیدگاه او در این قلمرو، به فوئر باخ نزدیک است و مراد وی از سیاست جنایی، عمدتاً همان «سیاست کیفری»^۵ است. وی تاکید دارد که برای تشخیص سیاست جنایی باید دو نکته را مد نظر داشت: پیشگیری اجتماعی با هدف حذف کامل یا محدود ساختن شرایط اجتماعی جرم؛ مبارزه علیه بزهکار.

گفتار دوم: تحولات در مفهوم سیاست جنایی

گفته شد که مفهوم سیاست جنایی دو قرن پیش توسط فون فوئر باخ (۱۸۰۳) به قلمرو حقوق کیفری وارد شد و بعدها توسط فون لیست (۱۸۸۹) و کوش (۱۹۰۵) و دندی یودو وابر (۱۹۳۸) تکمیل گردید، اما تطور معنا شناختی آن به دست آنسل صورت گرفت.

فون لیست دانشمند دیگر آلمانی که یکی از بنیان گذاران اتحادیه بین المللی حقوق کیفری در سال ۱۸۸۹ میلادی بوده است، در تعریف سیاست جنایی به «مجموعه منظم اصولی که دولت و جامعه با توسل به آنها مبارزه علیه بزه و بزهکاری را سازماندهی می نمایند» (لازرژ،

^۳ - ماده ۲ قانون مجازات اسلامی: «هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می شود.»

^۴ - Franz Von Listzt :

حقوقدان آلمانی الاصل. وی یکی از بنیانگذاران اتحادیه ی بین المللی حقوق کیفری در سال ۱۸۸۹ میلادی است که در اواخر قرن نوزدهم (حدود سه ربع قرن پس از فوئر باخ) در کتاب «رساله حقوق کیفری آلمان»، مفهومی مشابه با باخ را از سیاست جنایی ارائه داده است.

^۵ - Penal Policy



۱۳۸۱ : ۹) ، اشاره می کند. به نظر فون لیست برای تشخیص سیاست جنایی دو نکته را می توان مد نظر قرار داد، از یکسو پیشگیری اجتماعی با هدف حذف کامل یا محدود ساختن شرایط اجتماعی جرم و از سوی دیگر مبارزه علیه بزهکار خاصی که مرتکب جرم شده است. (آقازاده ، ۱۳۸۴ : ۱۳)

دون دیو دووابر^۶، استاد فرانسوی در کتاب خود تحت عنوان سیاست جنایی دولت های اقتدارگرا - اتوریتر، عقیده دارد که سیاست جنایی یک هنر است و موضوع آن کشف شیوه های مبارزه علیه جرم می باشد. بدین ترتیب طرز تفکر و نگاه حقوقدانان حقوق جزا تا اواسط سده بیستم با تکیه بر مفهوم مضیق سیاست جنایی، مبتنی بر اینست که سیاست جنایی شامل همه شیوه هایی که دولت علیه بزهکاری در اختیار داشته و به اجرا می گذارد، نیست. در این مفهوم، امر پیشگیری که از وظایف دولت است، خارج از سیاست جنایی قرار می گیرد، زیرا پیشگیری به هر میزان مؤثر واقع شود موجب محو کامل پدیده مجرمانه نیست. و با ظهور این پدیده وظیفه دوم دولت که دقیقاً شامل سیاست جنایی آن می شود، یعنی واکنش تنبیهی سرکوبگرانه علیه جرم اعمال می گردد. (لازرژ ، ۱۳۸۱ : ۱۰-۱۱) با توجه به مطلب فوق ، در پژوهش حاضر آیا اساساً می توان از جرایم اقتصادی پیشگیری کرد؟ نتیجه اینکه از طریق سیاست جنایی و به ویژه تدابیر پیشگیرانه نمی توان ، جرایم اقتصادی در همه ی سطوح و مراحل را از میان برداشت ؛ زیرا پدیده فساد و جرم اقتصادی ، یک پدیده ی جنایی صرف نیست . این پدیده ، رنگی از فرهنگ بومی ، اعتقادات مذهبی و ماورایی ، سیاست و باورهای اجتماعی و از همه مهمتر آموزش پیرامون فساد دارد .

در این حال ، مقابله با فساد یک جنبش همگانی در همه ی زمینه ها و عرصه های اجتماعی را می طلبد . در ادامه ی فرایند تحول مفهوم سیاست جنایی ، دانشمند فرانسوی ، می ری - دلماس مارتی^۷ استاد دانشگاه پاریس ، رویکردی بدیع و منحصر به فرد داشت. وی با در نظر گرفتن

^۶ - Donne de du Vaber

^۷ - Mireille Delmas Marty:

تحولات کمی و کیفی در انواع جرایم و نحوه ی مبارزه با آنها و با تجدیدنظر در تعریف فوئرباخ آلمانی اظهار داشت: «سیاست جنایی شامل مجموعه روشهایی می شود که هیأت اجتماع با توسل به آنها، پاسخ به پدیده ی مجرمانه را سامان می بخشد» (لازرژ، ۱۳۸۱: ۱۵)

بدین ترتیب سیاست جنایی مترادف با جنبه‌های نظری و عملی اشکال مختلف کنترل اجتماعی (جرم و انحراف) متجلی می شود. حقوق کیفری در این دیدگاه، حضور بسیار محسوسی خواهد داشت، اما ابزارهای کیفری در قلمرو سیاست جنایی، دیگر تنها نیستند؛ بلکه همراه آنها، شیوه های دیگر کنترل اجتماعی از نوع غیر کیفری^۸ و گاه حتی غیر دولتی^۹ وجود دارد. در این مفهوم، اجتماع نیز به مشارکت در راهبرد سیاست جنایی کمک شایانی می نماید.

بنابر توضیحات دل‌ماس مارتی درباره ی جنبه های مختلف سیاست جنایی، این مفهوم نسبت به گذشته باز هم گسترش یافته است زیرا: برخورد با پدیده های مجرمانه، ماهیت «کیفری» محض ندارند؛ لذا صرفاً از نظام های کیفری ناشی نخواهند شد؛ بلکه سایر نظام های حقوقی^{۱۰} نیز علیه پدیده ی مجرمانه پاسخگو خواهند بود.

همچنین پدیده ی مجرمانه در این دیدگاه، جرم و نیز انحراف (کژروی) را شامل می شود؛ زیرا هر دو پدیده نتیجه ی نقض و یا عدم رعایت هنجارهای اجتماعی است. با این تفاوت که اولی نقض یک هنجار اجتماعی تقنینی بوده و دومی عدم احترام به هنجار اجتماعی فاقد ضمانت اجرای رسمی است.

دانشمند فرانسوی. ۱۹۴۱ میلادی دارای درجه ی استادی در رشته ی حقوق خصوصی گرایش علوم جنایی و مدیر بخش علوم جنایی مؤسسه ی حقوق تطبیقی پاریس بوده است. وی در سال ۱۹۸۳ میلادی در اثری با عنوان «مدلها و جنبش های سیاست جنایی» به این موضوع پرداخته است.

^۸ - مانند ضمانت اجرای اداری غیر سرکوبگر از قبیل پیشگیری، جبران و ترمیم خسارت، میانجیگری و ..

^۹ - شیوه های سرکوبگر افراد شبه نظامی خصوصی و اقدام های اعتراضی از نوع اقدامات سازمان عفو بین الملل.

^{۱۰} - مانند نظام حقوق اداری، نظام حقوق مدنی، نظام حقوق انضباطی - انتظامی، نظام حقوق مالیاتی، نظام حقوق اجتماعی (حقوق کار و تأمین اجتماعی).